

تاریخ تحول پول و تغییر نگرش ما نسبت به زندگی

بیت‌کوین باعث می‌شود دوباره بچه‌دار شویم!



هومن جعفری مترجم

آیا تا به حال، هنگام قدم زدن در خیابان‌های شهر، از خود پرسیده‌اید که چرا املاک و خانه‌های باستانی اغلب بسیار باشکوه به نظر می‌رسند و قرن‌ها دوام می‌آورند، درحالی‌که بسیاری از خانه‌های مدرن فقط برای حدود ۱۰۰ سال ساخته می‌شوند؟ دلایل این است که سازندگان آن‌ها چگونه به زمان نگاه می‌کردند. آن‌ها فقط برای خود یا خانواده خود نمی‌ساختند، آن‌ها برای نسل‌های آینده می‌ساختند.

درک ما از زمان توسط خودپول شکل گرفته است. از آنجایی که ارزهای فیات به‌طور یوسسته ارزش خود را از دست می‌دهند، پس انداز کردن بی‌معنی به نظر می‌رسد، بنابراین ما اکنون خرج می‌کنیم، کمتر برنامه‌ریزی می‌کنیم و با آینده به عنوان چیزی نامشخص و یکبار مصرف رفتار می‌کنیم. این تغییر، پایه‌های معنا را از بین می‌برد. وقتی هیچ چیز پایدار به نظر نمی‌رسد - نه پول، نه شغل، نه روابط - مردم از ساختن برای آینده دست می‌کشند، بچه‌دار شدن را متوقف می‌کنند و شروع به زندگی کاملاً در زمان حال می‌کنند. بیت‌کوین یک جایگزین اساسی ارائه می‌دهد. با معرفی مجدد کمیابی و توانایی ذخیره ارزش در طول زمان، ما را دعوت می‌کند تا سرعت خود را کم کنیم، دورتر فکر کنیم و دوباره به امکان دائمی بودن ایمان بیاوریم. این یک درمان قطعی نیست، اما می‌تواند آغاز یک بازنشانی فرهنگی باشد. بازنشانی که به ما کمک می‌کند اعتماد به آینده را بازگردانیم، تعهد را بازسازی کنیم و شاید حتی باور کنیم که عشق، میراث و خانواده ارزش سرمایه‌گذاری مجدد را دارد. آن‌ها خسود را متولیان آینده‌ای می‌دیدند که قرار نبود آن را ببینند. آن‌ها به گذشته احترام می‌گذاشتند و عمیقاً به آینده اهمیت می‌دادند. به عنوان مثال، اجاره‌نامه در قرون وسطی توافقی بود که می‌توانست برای همیشه دوام داشته باشد.

وقتی زمان را در طول نسل‌ها درک می‌کنید، در آینده سرمایه‌گذاری می‌کنید، برای ماندگاری می‌سازید و از آنچه به شما سپرده‌شده است مراقبت می‌کنید به احتمال زیاد امروز صبر را پرورش می‌دهید - نگرشی که تحقیقات نشان می‌دهد می‌تواند به ارث برسد - و اعتماد دارید که انتخاب‌هایی را شکل می‌دهد که ارزش را تا فردا حفظ می‌کنند. صبر به نوبه خود، ارتباط نزدیکی با رفتارهایی مانند پس انداز، سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی دارد؛ اقداماتی که همگی به این باور بستگی دارند که آینده واقعی است و ارزش آماده شدن برای آن را دارد. با این حال، در طول نیم قرن گذشته، نرخ پس انداز شخصی به‌طور یوسته در حال کاهش بوده است. به عنوان مثال در ایالات متحده، میانگین نرخ پس انداز شخصی در دهه ۱۹۷۰ حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد بود، اما در دهه ۲۰۲۰ به زیر ۶ درصد کاهش یافته و در برخی از سال‌های اخیر حتی کمتر هم شده بود.

چه چیزی تغییر کرده است؟ خب، پول تغییر کرده. به عنوان مثال، حساب‌های پس انداز سنتی برای حفظ ارزش با مشکل مواجه شده‌اند؛ نرخ بهره واقعی اغلب منفی بوده و بسه آرامی پول نقد را در طول زمان کاهش می‌دهد. با از دستست دادن نقش پول به عنوان ذخیره ارزش، ترجیحات زمانی ما تغییر می‌کنسد. ما ترجیح می‌دهیم امروز خرج کنیم و لذت ببریم تا اینکه منتظر پاداش بزرگ‌تری در فردا باشیم. -ایسن رفتار اصلی، همراه با یک فرهنگ مصرف‌گرایانه و فردگرایانه فزاینده، ارتباط ما را با زمان قطع کرده است و چه تکان‌دهنده باشد یا نه، ظرفیت ما برای تفکر بلندمدت را نیز قطع کرده است.

□ □ □

چه کسی اتریوم را کنترل می‌کند؟

اکنون بیت‌ماین با در اختیار داشتن ۳۰۰,۶۵۷ اتریوم به ارزش ۱ میلیارد دلار، از دارایی ۶۶۵ میلیون دلاری بنیاد اتریوم پیشی گرفته است. این انباشت شرکتی، پرسش‌های جدیدی را در مورد نفوذ بر آینده اتریوم مطرح می‌کند.

در ۲۷ تیر، بیت‌ماین اعلام کرد که دارایی‌های اتریوم آن از ۱ میلیارد دلار فراتر رفته است، یعنی بیش از سه برابر ۲۵۰ میلیون دلاری که تنها یک هفته قبل در یک سرمایه‌گذاری خصوصی جمع‌آوری کرده بود. این شرکت مستقر در نوادا، در مجموع ۳۰۰,۶۵۷ اتریوم را در دفاتر خود افشا کرد که از ترانزانه خزانه‌داری بنیاد اتریوم پیشی گرفت. طبق گفته «آرکام اینتلجنس» تراز در ۱۵ جولای تقریباً ۶۶۵ میلیون دلار بود. این نقطه عطف که بیت‌ماین با تکیه بر استراتژی جدید بازار سرمایه خود به آن دست یافت، جایگاه خود را به عنوان بزرگ‌ترین دارنده شرکتی سهام اتریوم تثبیت می‌کند و نشان‌دهنده چرخشی چشمگیر از منشأ خود به عنوان یک عملیات استخراج بیت‌کوین است.

اینکه یک استخراج‌کننده انتفاعی اکنون اتریوم بیشتری نسبت به نهاد بنیانگذار شبکه در اختیار دارد، تحول کوچکی نیست. تام لی، رئیس بیت‌ماین این اقدام را به عنوان بخشی از یک استراتژی گسترده‌تر برای سهم کردن ۵ درصد از کل اتریوم در گردش تلقی کرد، آستانه‌ای که به این شرکت نفوذ زیادی بر امنیت و حاکمیت شبکه می‌دهد.

□ □ □

تصاحب شرکتی اتریوم می‌تواند آینده این رمزارز را تغییر دهد

به نظر می‌رسد اقدام بیت‌ماین برای بیش از سه برابر کردن موقعیت اتریوم خود در کمتر از یک هفته، بیشترین استراتژی حساب‌شده است تا یک تاکتیک انباشت تهاجمی. در ۲۴ تیر، این شرکت فاش کرد که به سختی پنج روز پس از بستن فروش ۲۵۰ میلیون دلاری رمزارز پایپ، ۵۰۰ میلیون دلار اتریوم جمع‌آوری کرده است.

در آن زمان، این رقم از قبل باعث تعجب شده بود. اما تا ۲۷ تیر، دارایی بیت‌ماین به بیش از ۱ میلیارد دلار افزایش یافته بود و آنچه را که بسیاری در بازار گمان می‌کردند تأیید کرد؛ این شرکت در حال اجرای یک استراتژی متقاعدکننده برای به دست آوردن سهم قابل توجهی از عرضه اتریوم و سهم کردن آن است. تام لی، رئیس هیئت مدیره، هیچ پنهان کاری در این جاه طلبی نداشت و اظهار داشت که هدف این شرکت جمع‌آوری و سهم کردن ۵ درصد از کل اتریوم در گردش است. این امر به بیت‌ماین یک کرسی در میز امنیتی مبتنی بر اعتبارسنجی اتریوم و گفت‌وگوهای حاکمیتی آینده می‌دهد. این انباشت سریع هم کنجکاری و هم سرمایه را به خود جلب کرده است. یک پرونده نظارتی در این هفته نشان داد که شرکت فاندرز فاندس از پتر



پول سخت و ذخیره ارزش

در بیشتر تاریخ بشر، پول سخت بود. طلا و نقره همگی به سختی به دست می‌آمدند، به طور طبیعی کمیاب بودند و ایجاد آن‌ها بر اساس هوس غیرممکن بود. این کمبود فقط اقتصادی نبود، بلکه نحوه رفتار مردم را شکل می‌داد. این امر ترجیح زمانی پایین را تقویت می‌کرد؛ تمایل به تعویق انداختن لذت در ازای پاداش‌های آینده، در مقابل ترجیح زمانی بالا که مصرف فوری و سود کوتاه‌مدت را ترجیح می‌دهد. اگر پس اندازهای شما ارزش خود را حفظ می‌کردند، متفاوت فکر می‌کردید؛ بلندمدت‌تر، محطانات‌تر، سنجیده‌تر و این فقط یک طرز فکر فردی نبود. بلکه به یک طرز فکر اجتماعی تبدیل شد. خانواده‌ها برای نسل‌های آینده فداکاری می‌کردند، زیرا معتقد بودند که این فداکاری‌ها به چیزی معنادار تبدیل می‌شوند. سپس پول فیات آمد پول بدون تلاش، بدون محدودیت و بدون زمان.

تورم و مرگ تأخیر

پایان استاندارد طلا فقط یک رویداد پولی نبود، بلکه یک گسست فرهنگی بود. هنگامی‌که بانک‌های مرکزی پول را از کمبود رها کردند، فقط نقدینگی تزییق نکردند. آن‌ها بی‌نظمی را به زندگی ما تزییق کردند. تورم عادی پس از پایان کردن بی‌معنی به نظر می‌رسید. شما باید الان خرج می‌کردید، الان مصرف می‌کردید و الان لذت می‌بردید، زیرا پول شما بعداً ارزش کمتری خواهد داشت. برنامه‌ریزی مالی تبدیل به قمار شد. ثبات جای خود را به تقلا داد. و به آرامی، چیزی در نحوه ارتباط ما تغییر کرد، نه فقط با پول، بلکه با یکدیگر.

تعهد شروع به احساس یک معامله بد کرد. چرا خودتان را محدود کنید وقتی آینده بسیار بی‌ثبات است؟ چرا در دنیایی که حتی مطمئن نیستید اجاره سال آینده شما ثابت خواهد بود، فرزندان خود را بزرگ کنید؟ چرا برای فردای شخصی دیگری فداکاری کنید، وقتی حتی فردای خودتان نامشخص است؟

زمان، ادراک و آینده

من را اشتباه نفهمید. بشریت همیشه در مورد آینده نامطمئن بوده است. این خبر جدیدی نیست. هر جامعه‌ای در طول زمان و مکان به شکل‌های مختلف سعی



ویتالیک بوتیرین، یکی از بنیان‌گذاران اتریوم، در شبکه‌های اجتماعی اعتراف کرد که به دلیل هزینه‌های گزاف خدمات خشکشویی هتل‌ها، ترجیح می‌دهد لباس زیر خود را با دست بشوید. او هم‌زمان اعلام کرد که «پراگماتیسم اشتباه است» و از مشقت و طعنه خدمت به خود در محیطی که برعکس آن بنا شده است، انتقاد کرد. برای ناآشنایان، ریشه‌های پراگماتیسم به اواخر قرن نوزدهم بازمی‌گردد و تحت قلم چارلز سندرز پیرس، ویلیام جیمز و جان دیویی شکوفا شد. ادعای اصلی آن‌ها این است که اثرات عملی یک ایده مهم‌ترین چیز است. یک پاور، برای یک پراگماتیست، فقط به همان اندازه خوب و «درست» است که در هدایت عمل مفید باشد. این نظریه، در حالی که سسازگار و تأثیرگذار است، به دلایل نسبی‌گرایی بیش از خود و در بدترین حالت، تقلیل دادن حقیقت به چیزی بیش از فایده‌ذهنی مورد انتقاد قرار گرفته است. فیلسوفانی مانند برتراند راسل، ویلیام جیمز راتهمز کردند که به باورهای متضاد اجازه می‌دهد تا هر دو به عنوان «درست» به حساب آیند، اگر هر کدام هدف کسی را برآورده کنند؛ بنابراین مرز بین بیش واقعی و خودرایی را راحت محو می‌کنند. انکار علنی پراگماتیسم توسط بوتیرین، به‌احتمال گسترده‌تری اشاره دارد؛ شاید غنی‌ترین

منظور این نبود که بدبینانه باشد. این فقط نحوه فکر مردم بود. حتی در مؤسسات بزرگ و خوش‌ساختار، آینده آنقدر ناپایدار شده بود که نمی‌شد آن را جدی گرفت. وقتی مردم فقط تظاهر می‌کنند که بلندمدت فکر می‌کنند - بدون اینکه واقعاً به آینده ایمان داشته باشند - آنگاه همه چیز در زندگی نیز مانند یک عمل به نظر می‌رسد. این طرز فکر فقط بر افراد تأثیر نمی‌گذارد بلکه کل فرهنگ‌ها را دوباره سیم‌کشی می‌کند.

وقتی تعهد ما به آینده از بین می‌رود، چهارچوبی که برای ساختن زندگی خود از آن استفاده می‌کنیم نیز از بین می‌رود. ما دیگر به حقوق بازنشستگی اعتماد نمی‌کنیم، برنامه‌ریزی شغلی را متوقف می‌کنیم و در عوض شروع به بهینه‌سازی برای انعطاف‌پذیری به جای ریشه می‌کنیم. فرهنگی که به فردا اعتماد ندارد، در آن سسر مایه‌گذاری نخواهد کرد، چه از طریق پس انداز، چه از طریق جامعه و چه از طریق خانواده.

البته برخی استدلالاتی می‌کنند که این تغییر به سمت انعطاف‌پذیری و فردگرایی نشان‌دهنده پیشرفت است، نه ضرر. آن‌ها رهایی از تعهدات بلندمدت را نوعی توانمندسازی می‌دانند، نه زوال. با این حال، فرزندان - که زمانی سرمایه‌گذاری نهایی بلندمدت بودند - اکنون مانند بدهی به نظر می‌رسند. آن‌ها خیلی هزینه دارنسد. آن‌ها آزادی را محدود می‌کنند. آن‌ها با زندگی در وحشت اقتصادی و آشفتگی اجتماعی سسازگار نیستند. بنابراین ما به تعویق می‌اندازم. ما متعهد نمی‌شویم. ما به تعویق می‌اندازم. ما تخمک‌های خود را فریز می‌کنیم. ما در TikTok اسکرول می‌کنیم. ما به دنبال سود هستیم و در جایی در آن حال بی‌پایان، فراموش می‌کنیم که چگونه آینده‌ای بسازیم.

بیت‌کوین و بازگشت معنا

اما اگر پول دوباره سخت شود چه؟ اگر مکانی برای ذخیره ارزش داشتید که از بین نرود چه؟ اگر هیچ مرجع مرکزی برای کاهش ارزش تلاش شما با فشار یک دکمه وجود نداشته باشد چه؟ اگر دمان دوباره واقعی به نظر برسد؛ پایدار، کمیاب و ارزش برنامه‌ریزی داشته باشد چه؟

بیت‌کوین

به نظر می‌رسد دقیقاً همین را پیشنهاد می‌کند. این فقط طلای دیجیتال نیست. این ممکن است یک تغییر فلسفی باشد. این نشان می‌دهد شاید چیزی به نام کمبود مطلق وجود داشته باشد. شاید آینده‌ای وجود داشته باشد که شایسته صبر باشد. شاید پاداش‌ها از گمانه‌زنی حاصل نشوند، بلکه از ثبات حاصل شوند. مردم اغلب وقتی بیت‌کوین‌ها در مورد «ترجیح زمانی» بحث می‌کنند، می‌خندند. اما این بیشتر از یک میم‌کوین است. می‌تواند یک طرز فکر باشد. اگر ثروت شما بتواند به طور ایمن ترکیب شود، ممکن است بتوانید فردا را تصور کنید. و اگر فردا دوباره واقعی به نظر برسد، شاید شروع به رفتار کردن مانند آن کنید. شما پس انداز می‌کنید. شما می‌سازید. شما متعهد می‌شوید. شاید حتی بچه‌دار شوید. بیت‌کوین همه چیز را در دست نخواهد کرد. به شما، به وام مسکن یا شریک وفادار نخواهد داد. اما ممکن است شرایطی را دوباره معرفی کند که در آن این چیزها دوباره عاقلانه به نظر برسند. این ممکن است قرارداد نامرئی بین نسل‌ها را بازگرداند. این ممکن استست به ما یادآوری کند که دائمی بودن ممکن است و زیبا؛ که عشق می‌تواند بیشتر از یک فصل دوام بیاورد؛ که ارزش می‌تواند بیشتر از یک چک حقوقی دوام بیاورد.

و با انجام این کار، بیت‌کوین ممکن است کار عجیب، قدیمی و عمیقاً انسانی انجام دهد. این ممکن است باعث شود دوباره بچه‌دار شویم.

جورجیو بونوچلی / کریپتو نیوز

مالک اتریوم و مسئله لباس زیر!

اشکال زندگی و نوآوری نه از پایین‌ترین مخرج مشترک آنچه صرفاً «عملی» است، بلکه از تلاش برای چیزی غیر منطقی، ایدئال‌گرایا صرفاً عجیب - حتی در عادات لباس‌شویی فرد- ناشی شود. ازقضا، اعتراف به لباس زیر شسته‌شده با دست او، به‌خوبی در سنت افراد مرفه که از انتظارات عملگرایانه دوری می‌کنند، قرار می‌گیرد. هر کسی که در یک هتل لوکس بدون لباس زیر تمیز کافی اقامت داشته باشد، این معضل را می‌داند؛ هزینه گزاف خشکشویی هتل را بریزد یا با یک شست‌وشوی DIY (خودت انجام‌ده) مشکل رافع کنی‌اند، به‌شخصه اغلب بدونی را انتخاب می‌کنم. نمونه‌های متعددی از میلیاردرهای صرفه‌جو وجود دارد که خودی من شامل آن‌ها نیستم. وارن بافت را در نظر بگیرد که صرفه‌جویی افسانه‌ای او به‌خوبی مستند شده است. علی‌رغم ثروت هنگفتش، او هنوز در خانه ساده‌ای را اوماها زندگی می‌کند که در سسال ۱۹۵۸ خرید و به رزاندگی با ماشین‌های ساده، خوردن صبحانه‌های مک دونالد و پاپیندلی به لباس‌های کلاسیک و مقرون به‌صرفه معروف است. این‌ها فقط تاکتیک‌های صرفه‌جویی در پول نیستند، بلکه ویژگی‌های شخصی هستند که به استراتژی‌های زندگی ارتقا یافته‌اند.

جمعیت میلیاردرها دارای مجموعه‌ای از عادات غیر متعارف و غیر عملگرایانه مشابه هستند. آمانسیو اورتگا، بنیان‌گذار زارا، به‌طور مشهور هر روز یک صبحانه و ناهار ساده می‌خورد و در دفتر مجلل به نفع یک فضای کاری غیرقابل توصیف دوری می‌کند. اینگوار کامپراد، بنیان‌گذار فقید ایکئا (غول لوازم خانگی سوند)، یک ولوو دهه‌های قدیمی را می‌راند و به‌طور مرتب از وسایل حمل‌ونقل عمومی استفاده می‌کرد. لیدی گاگا، ستاره پاپ، علی‌رغم ثروتش، در شبکه‌های اجتماعی درباره استفاده از کوپن برای خرید مواد غذایی پست گذاشته است. مارک زاکربرگ در حال پرواز با کلاس اکونومی دیده‌شده و تی‌شرت‌های ساده را به برندهای طراح ترجیح می‌دهد.

حتی در قلمرو عجیب‌وغریب‌تر، داستان‌هایی وجود دارد مبنی بر اینکه مدیران عامل کل هتل‌هایمی‌خرند تا از تسویه حساب جلوگیری کنند، یا میلیاردرها منجخال‌هایی بر از سوشی برای هوس‌های اواخر شب نگه می‌دارند تا اینکه بخواهند در رستوران‌های مجلل ولخرجی کنند.

بنابراین، افشاشکری لباس زیر بوتیرین و انتقاد او از پراگماتیسم چه چیزی به ما می‌آموزد؟ اگر پراگماتیسم ابزاری برای پیمایش در اموال واقعیت است، به نظر می‌رسد تر تمندترین افراد جهان مصمم هستند مسیر خود را هدایت کنند، مهم‌نیست چقدر عجیب و غریب باشد. تسلط واقعی نه از انجام دقیق آنچه «کاری می‌کند»، بلکه گاهی اوقات از انجام کاری ناشی می‌شود که برای هیچ‌کس دیگری منطقی نیست. درس؟ بسیاری از ما قلاً آنجا بوده‌ایم؛ در یک هتل ۵ تا ۵۰ ستاره بدبخت شده‌ایم و لباس زیر را با دست تمیز می‌کنیم در حالی که بدترین حس‌ها را داریم. با این حال، در حالی که چنین اصالتی ممکن است در ظاهر پوچ به نظر برسد، اما گاهی وقت‌ها حکم وفاداری به قوانینی را دارد که ما را در نهایت ارتقا می‌دهد و گاهی اوقات، ظاهراً، بالاتر از ماشین لباس‌شویی.

دوربان باتیکا/ کریپتو نیوز

فرهنگ نخبگان

آرژانتین

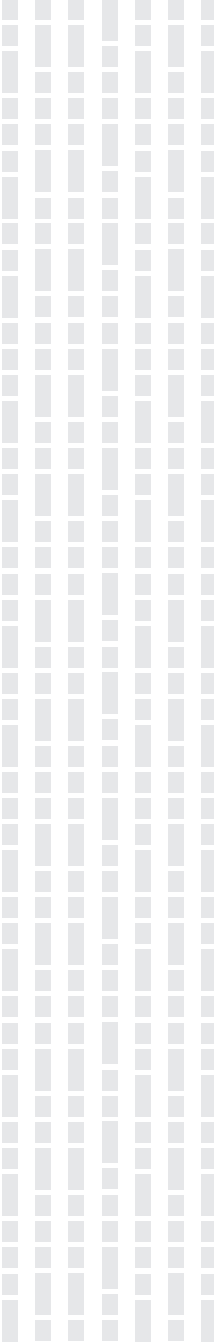


سه‌شنبه ۲۱ مرداد ۱۴۰۴

شماره ۴۴۸۲

FARHIKHTEGANDAILY.COM

FARHIKHTEGANONLINE



۱۵